

بیمال فرنگی

زیر نظر: داریوش منزوی، انوشیروان پناهانده

یک لطیفه مادر زنانه

جناب آقای محبی از دوستان یکی از بچه های روزنامه ایران مادر زنتش را از پنجره سوم پرت کرد توی خیابان خوشبختانه، زن بیچاره نمرود، فقط دو سه ماهی در بیمارستان بود و طبعاً از نامادش شکایت هم کرد. وقتی قاضی از آقای محبی پرسید: شما که شخص فهیمده ای هستید، بعد از این عمل، آلاً احساس شیشمانی نکردی؟ آقای محبی جواب داد: چرا والله، می ترسیدم مبادا بختد روی سر به عاوب بی گناهی و به کشتنش بده.

یک لطیفه چاپلوسانه

هوم از اون جوان های تازه به دوران رسیده بود و توی حیاط خانه اش یک حوض کوچکوی یک وجبی ساخته بود و فکر می کرد شغال را شکسته. یک روز آن را به رفیقش نشان داد و گفت: - بین چه خوشگل. - آره، خیلی نقلی به. - چی می گی بابا؟ تو همین حوض نقلی به نفر غرق شد. رفیقش گفت: - اون دیگه می خواسته پیش تو چاپلوسی کنه.

یک لطیفه هرهرانه

منیزه خانوم با مریزه خانومه ای که هنوز مریکب آن خشک نشده بود، دوست و شش کنه هنوز حسی نمره نشده بود و توی این خیابانهای که می دید چه خبر است، معلوم است که چه کار می کرد. دخترش هم بغل دستش بود. دخترک ده ساله بیشتر نداشت و مرتباً می خندید. بالاخره حوصله منیزه خانوم سر رفت و فریاد کشید: - ای دیگه هر دفعه که من زتم به آدم هر هر بخندی، نخندیدی ها...!

یک لطیفه شکارانه

لطیفه های مربوط به شکار هم از آن دسته لطیفه هایی است که با اینکه طرفدار ندارد اما ما کمال پرویی آن را همیشه چاب می کنیم و در این راه از بعضی دوستان تلویزیونی مان مدد می جویم که با آنکه می دانند مردم از خیلی از سرخرافات خوششان نمی آید اصلاً خیالشان هم نیست... خلاصه اینکه، کامران و خسرو یک روز تفنگ ها را انداختند به کول و رفتند شکار. توی راه کامران به خسرو گفت: - مواظب باش! اون دفعه که امدیم شکار، نشون گرفتی خرگوش بزنی، زدی سنگ منو کشتی. خسرو گفت: - نه بابا، دیگه خاطرت جمع باشه. این دفعه اگر خرگوش دیدم سنگ تو رو نشونه می رم!

یک لطیفه حکیمانه

چند روز پیش جناب رهام همسایه گرامی مان را دیدیم که خوشحال و خندان داشت بر می گشت خانه. پرسیدیم: - کیا بود؟ - کیا بود؟ - مجلسی ختم. - پس چرا اینقدر شگولدی؟ - آخه ختم تنها جایه که آدم با خیال راحت می تونه اخماشو بکنه توم هم و با کسایی که از شون خوشش نیماذ حرف زنه و همه به حساب مراتب تأثر و تألم روحی راهمضایا خایلی سریعتر به جایی که خواهد برد، شاید تا حد مسابقات استانی.



آرزوهای بزرگ دو نقاش کوچک در شهری کوچک

مربوط به طبیعت است و سوزهای ناشی از نقاشی است که تهنایی را نشان بدهد. این دو نوجوان نقاش که هر دویشان معتقد هستند که فعالیت در زمینه هنر در شهرستان بسیار سخت است و می گویند: اکثر خانواده های شهرستان با تحصیل در رشته های هنری خیلی موافق نیستند و فکری که بچه های تخیل سریع این رشته ها می روند چرا که در مورد چنین رشته هایی شناخت ندارد و البته این اولین مشکل است. مشکل بعدی نبود امکانات لازم در این رشته هاست و در عین حال هزینه های بالایی که باید برای این رشته ها صرف شود. مرجان می گوید: در زاهدان اکثر وسیله های مربوط به نقاشی وجود ندارد و اگر هم باشد خیلی گران است. مهدیه می گوید: اوشا فکرمی کردیم کار خیلی راحت است اما وقتی وارد این رشته نقاشی قرار بگیرد، کار به این سادگی ها هم نیست. مرجان می گوید: در همین زاهدان و دیگر شهرهای استان استعدادهای خوبی در زمینه های مختلف هنری وجود دارد اما از آنجایی که معمولاً امکانات وجود ندارد و فرصت مطرح شدن به وجود نمی آید، بچه ها نمی توانند پیشرفت کنند. مهدیه به رغم همه مشکلاتی که دارد اما رشته ای را که انتخاب کرده است بسیار

دوست دارد و فکر می کند تا جایی که بتواند تلاش خواهد کرد تا روزی یک استاد نقاشی شود. او می گوید: در این مسیر حتماً نیازمند کمک بسیاری از اطرافیان هستم تا به آنجایی که دوست دارم برسم. مرجان هم که این روزها به جوری درگیر آماده شدن برای مسابقات اصفهان است می گوید: تا حدودی آماده هستم و پیش خودم فکر می کنم نتوانم از پس مسابقات منطقه ای برسیام. چون فکر می کنم سطح بچه های آن طرف خیلی بالا باشد و از طرف دیگر از وضعیت آنها اطلاعی ندارم و نمی دانم در چه حدی هستند. مرجان هم مثل مهدیه آرزوی کند یک روز استاد رشته نقاشی شود می گوید: پیشرفت در استانی دور از تهران خیلی سخت است ولی ما تلاشمان را می کنیم شاید یک روزی اسم ما هم در کنار بزرگان رشته نقاشی قرار بگیرد. او می گوید: کاش امکانات در همه جای ایران یکسان توزیع می شد و امکانات پیشرفت برای همه برابر بود که این یک خیال است. مرجان می گوید: دخترانی که در تهران ک نقاشی می کنند و با آنهایی که در شهرهای چون شیراز یا اصفهان هستند مانند ما هستند شانس مرجان و انا کجا خواهد برد، شاید تا حد مسابقات استانی.

وقتی صحبت از هنر و اهل هنر می شود همه یاد تهران می افتند و بعدش هم یاد نثار شهر و سینما عصر جدید و کافه نادری و بعضی پاتوق های دیگر. اما وقتی نگاه می به افراد صاحبان در حوزه هنر می اندازیم که زندگی آنها را مرور می کنیم متوجه می شویم خیلی از آنها اهل تهران نبوده اند و شروع فعالیت های هنری آنها به زمانی بازمی گردد که کیلومترها با تهران فاصله داشته اند. وقتی که در کارشان پیشرفت کردند برای ادامه راه چاره ای جز آمدن به تهران نداشتند و این از معضلات و مشکلات توجه به پایتخت است، بگذریم! و در میان همه کسانی که خارج از تهران فعالیت های مختلف هنری دارند فقط برای تعدادی از آنها این امکان فراهم می شود تا صاحبانی شوند و ویلایشان به پایتخت می رسد و باقی در شهر با استان خود می ماند و شاید شانس نصیب آنها نمی شود. مرجان و مهدیه هر دو از راه ادامه می شود تا شانس خودی را امتحان کند تا شاید یکی از آن هزاران باشد. مرجان هرچه هنرستان هنرهای زیبای زاهدان است. به درست خواندید، زاهدان. تصور این که زاهدان هنرستان هنرهای زیبای زاهدان داشته باشد کمی سخت است. اما باید بگوییم مرکز استان سیستان و بلوچستان چندساله است که صاحب این هنرستان شده و تعدادی از فارغ التحصیلان اولین دوره آن هم برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه شده اند. این هنرستان دارای دو رشته نقاشی و گرافیک است که مرجان توانسته تپه اول نقاشی را در سطح استان کسب کند و همین روزها باید در شهر اصفهان با دیگر هنرمندان و سلاسل از سطح منطقه ای رقابت کند و اگر آنجا هم موفق شود به مرحله کشوری راه می یابد. مرجان می گوید: کار خیلی سختی است رقابت در سطح منطقه ای هر چه رسد به کشوری! مرجان در مسابقات استانی رقابت نزدیک بالکی از هم کلاسی هایش به نام مهدیه زراعتگر داشت و در این مسابقه

نادر سلیمانی

زیبا دارد بی لحظه ای تردید نقاشی را انتخاب می کند. مرجان موقعی که حال و حوصله ندارد و به قول خودش وقت هاستی که مهادی دوست است نقاشی می کشد اما مهدیه دوست دارد وقت هاستی که نتهاست نقاشی بکشد. مرجان معمولاً سوزهای ناشی اش



شیک و خیره کننده ...
سایبرشات سونی، مدل T33 دوربینی باریک و زیبا با کارایی فراوان.




صفحه نمایشگر ۲/۵ اینچی



سایبر-شات T33
دوربین عکاسی دیجیتال

شیک است و زیبایی خیره کننده ای دارد.
به لطف نمایشگر بزرگ ۲/۵ اینچی، لذت بازیابی عکسها دو چندان می شود. با ویژگی هایی چون لنز کارل زایس، پردازشگر پیشرفته تصویر و سی سی دی با رزولاسیون بالا، کیفیت عکسهای این دوربین بی نظیر است. دوربین سایبرشات T33 با رزولاسیون ۵/۱ مگاپیکسل و زوم اپتیکال ۳ برابر نظر شما را نسبت به دوربین عکاسی دیجیتال تغییر می دهد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با دفتر نمایندگی سونی ایران ۲۰۱۸۹۲۸ تماس بگیرید.

www.sony.co.ir

